

زنان و محیط زیست^۱

نویسنده: کارول بلامی^۲
* ترجمه: ویکتوریا جمالی

«محیط زیست پایدار در شرایطی حاصل می شود که به زنان فرصت ایجاد خانواده و زندگی پایدار داده شود.»

بنا به يك گفته قدیمی «زنان نگهدار نیمی از آسمان هستند» و در روزگار ما زنان در کشورهای در حال توسعه به خاطر نقشی که از زمان های قدیم در حفاظت و نگهداری از زمین «نه از آسمان» داشته اند، شناخته شده اند. زنان تقریباً با مسئولیت عمیقی که از ایام گذشته در تمام سطح کره زمین در زندگی دارند، بخصوص در اداره خانواده به رموز محیط زیست آشنا بوده و آن را نسل به نسل کامل تر کرده و به آیندگان سپرده اند:

- محصولات غذایی فراهم کننده بیشترین مواد مغذی و مقوی می باشند.

- درختان تأمین کننده حرارت و انرژی و سوخت می باشند.

- منابع آبی بخصوص در شرایط خشک سالی مورد نیاز هستند.

- گیاهان خاصیت دارویی دارند.

زنان به تمامی این رموز آگاهی دارند. زنان در جامعه مهمترین مدیران منابع هستند، در بعضی از کشورهای آفریقایی حدود ۸۰ درصد کارهای مربوط به اداره خانواده و تهیه مواد اولیه مورد نیاز نظیر:

آب، چوب و زراعت هم برای تغذیه خانواده و هم چنین برای مشاغل صادراتی در حال رشد به عهده زنان می باشد.

بنابراین به نظرمی آید زنان برای مدیریت منابع حساس و هم چنین جهت دست یافتن به نتیجه مؤثر در رابطه با محیط زیست مرکز ثقلی بشمار می روند، و متأسفانه توجه به این مسئله بندرت اتفاق می افتد، کمبود شأن و منزلت اجتماعی، آموزش، تأمین اعتبار مالی، حقوق مربوط به مالکیت و زمین و عقب ماندگی سیاسی از آن جمله است. زنان بطور سنتی در شرایطی که دوره های آموزشی، تکنولوژی و راههای دسترسی به مساعدت های تکنیکی در حال اجرا بوده است، کنار مانده اند.

در این میان تخریب محیط زیست مسئولیت های آنان را سنگین تر ساخته است، بخصوص در مناطقی که از نظر

* کارشناس محقق دانشکده محیط زیست

1- Women And The Environment. Our Planet, 1995, Vol

7, NO 4, UNEP Publication.

2- Carol Bellamy Executive Director of UNICEF.





اکولوژیکی آسیب پذیر می باشند مانند سواحل آفریقا، مناطق کوهستانی دورافتاده، جنگل های تخریب شده استوایی و محله های پست شهری. بیشتر از یک میلیارد نفر یعنی تقریباً یک چهارم جمعیت کره زمین بخاطر تخریب در محیط زیست از محیط زندگی خود منزوی گردیده اند. تخریب جنگل آنان را مجبور نموده که جهت جمع آوری چوب به منظور تأمین سوخت، مسافت بیشتری را طی نمایند. کودکان آنان به خاطر عدم دسترسی به منابع آبی سالم مریض می گردند، پیشروی کویر زمین های زراعی آنها را تهدید می نماید. ترکیب این موانع متنوع باعث شده که خانواده های زیادی از پناهگاههای سنتی و خانه های خود به جهنم شهرهای کوچک و محله های پست مهاجرت نمایند. محاسبات نشان می دهد که حدود ۲۵ میلیون آواره زیست محیطی در دنیا وجود دارد، مردمانی که دیگر امکان زندگی راحت و امن را در محیط قبلی زندگی خود به خاطر تخریب و از بین رفتن خاک، هوا و آب و منابع انرژی بدست نخواهند آورد.

عناوین مربوط به محیط زیست: جنگل زدائی، کویرزائی، خشک سالی، افزایش گرمای کره زمین و از بین رفتن لایه اوزون، بخشی از این مسائل بشمار می روند. تهدیدات عمده زیست محیطی برای میلیونها خانواده فقیر در نزدیکی منزل و در محیط زندگی شان است کودکان آنان از اسهال و بیماری های دیگر که نتیجه آب آلوده می باشد در عذاب بوده و از بین می روند، فقر خاک باعث کمبود ید در رژیم غذایی روزانه شده و در نتیجه زندگی آنان در شرایطی که فکرأ و جسمأ آسیب دیده هستند در معرض خطر بوده و به خاطر فقر تغذیه کوتاهتر و سخت تر می شود، فرسایش خاک، خشک سالی، از بین رفتن پوشش حاصلخیز خاک و دیگر مسائل مهم نتیجه اجرای غیر اصولی کشاورزی در مراحل تولید می باشد. بنابراین شرط لازم برای تأمین نیازهای اولیه و رضایت آنان بهبود محیط زیست می باشد.

هم زمان، این خانواده ها قادر نخواهند بود که به بهبود یا حمایت از محیط زیست بپردازند مگر آن که فرصت برای زندگی و امرار معاش بهتر داشته باشند. در کشورهای در حال توسعه، در تلاش برای زنده ماندن و زندگی، بیشتر منابع قابل دسترس را به خاطر انتخاب محدودی که دارند استفاده می نمایند،

هر چند که به اثر منفی این استفاده بر محیط زیست آگاهی دارند. زمانی که منابع سوخت پایدار محدود و کم می شود، خانواده ها، اغلب، اجباراً، چوبهای با ارزش جنگل را استفاده می نمایند. کاهش درآمد خانواده و زوال محیط زیست هماهنگ با هم پیش می رود، خراب شدن هر یک از آنها فشار وارد بر دیگری را تشدید می کند. بسیاری از شاهدان عقیده دارند که نتیجه این حرکت بصورت مارپیچ معکوس نه تنها بر شدت فقر و زوال محیط زیست اثر داشته بلکه فشار جمعیت را نیز تشدید می سازد.

افزایش مسئولیت ها

قراردادن محیط زیست در دستور کار زنان بار مسئولیت آنان را افزایش داده و علاوه بر مسئولیت اداره خانواده آنان را هر چه

تولد نوزادان و تأمین درآمد. تلاش این است که برای زنان وسایلی که جهت تعدیل تغییرات محیط زیست و محیط اجتماعی نیاز است فراهم شود تا بدینوسیله بتوانند معیار قابل قبولی را جهت زندگی بدست آورند.

هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به محیط زیست پایدار دسترسی یابد مگر زنان امکان بدست آوردن زندگی و معاش پایدار را پیدا نمایند. استراتژی کمک به زنان، سرنوشت آنان را بهبود می‌دهد مانند تهیه و توسعه تکنولوژی ارزان قیمت که در شغل و اداره خانه به آنان کمک نموده و برای زنان آموزش، دوره‌های بازآموزی را اعتبار مالی و قدرت در تصمیم‌گیری در جامعه را فراهم می‌نماید.

تغییرات اساسی

خرش‌بختانه بسیاری از جوامع چنین استراتژی را پذیرفته و تغییرات چشمگیر و اساسی در اصول بوجود آورده‌اند. برای مثال در سودان، در جامعه‌ای که از نظر مالی خود کفا بود، توانست اداره و نگهداری ۸۵ درصد تمام پمپ‌های دستی را زیر نظر مکانیک‌های زن درآورد. این برنامه بین ۲ تا ۴ ساعت در وقت آنها صرفه‌جویی نمود. این مدت هر روز صرف تأمین آب می‌گردید. در مصر در یک پروژه زنان روستائی امکان قرضه را برای آنها افزایش دادند و به آنها راههای هزینه نمودن و مدیریت در پرورش دام، بازاریابی، نگهداری و حفاظت کودکان و برنامه‌های توسعه آموزش داده شد.

در برزیل در برنامه زنان که توسط یونیسیف حمایت می‌شد، ۴۱۸ فرصت شغلی با وام فراهم گردید تا سطح زندگی و درآمد ۸۰ درصد زنانی که در این مشاغل مشغول بودند توسعه داده شود و این برنامه هنوز ادامه دارد.

استراتژی یونیسیف در کسب زندگی پایدار، حفاظت اولیه از محیط زیست است که PEC (Primary Environmental Care) خوانده می‌شود.

حفاظت اولیه از محیط زیست بر این فرض پایه‌گذاری گردیده که جامعه سه نیاز اولیه را کسب نماید:

۱- احتیاجات اولیه برای بهداشت، تغذیه، تعلیم و تربیت و آب و خاک زراعی داشته باشند.



بیشتر مجبور می‌نماید که مسئولیت دیگری را به عهده بگیرند. رشد روزافزون شمار زنانی که مسئول اداره خانواده هستند، ناشی از افزایش فقر، مهاجرت، جنگ، حاملگی در دوران نوجوانی و عوامل دیگر می‌باشد. قبول مسئولیت اداره خانواده همراه با مسئولیت مادری فشار زندگی را بر زنان افزایش می‌دهد.

مشکلات محیط زیست، مشکلات اجتماعی هستند، مدت زمانی که زن به خاطر فروافت محیط زیست صرف می‌نماید، نظیر اوقاتی که صرف جستجو و جمع‌آوری چوب برای پخت و پز و آب می‌شود، مدت زمان هدر شده‌ای است که دیگر صرف فعالیت‌های دیگر که لازم توسعه است نمی‌شود، نظیر: کمک به رشد و آموزش (خواندن و نوشتن) کودکان و یا ملاقات همسایگان در تبادل افکار در زمینه بهداشت، تأمین انرژی و سلامتی بعد از



۲- دسترسی به تولید مطلوب از راه استفاده از منابع پایدار مانند: سوخت، آب و خاک زراعی داشته باشند.

۳- مشارکت فعال همراه با تفویض قدرت به اعضاء جامعه بخصوص دختران و زنان، استراتژی مشارکتی را عرضه می نماید که نتیجه فعالیت زنان، خانواده ها، جامعه ها، سازمان های بین المللی، سازمان های دولتی، سازمان های غیردولتی (NGO's) و سازمان های خصوصی می باشد. ما امیدواریم پاسخ های اصولی بر اساس دستور کار ۲۱ بر اغلب مسائل که به نظر غیر قابل دسترس هستند داشته باشیم. کلید موفقیت این استراتژی مشارکت کامل و تمام وقت نه تنها خانواده ها بلکه زنان و کودکان می باشد. در بسیاری از کشورها، مدارس ابتدائی و مدارس سوادآموزی (نهضت) برای کودکان با هدف کمک به محیط زیست، جمع آوری اطلاعات می نمایند. به عنوان مثال در ماداگاسکار، آموزش محیط زیست همراه با آموزش های روزمره و با یاد دادن مسائل بهداشتی و تغذیه همراه است و شاگردان و معلمین آموخته های خود را با بوجود آوردن باغچه ای در مدرسه تمرین می نمایند. هیچ راه بهتر و مطمئن تری برای دستیابی به پایداری غیر از مشارکت نسل جوان وجود ندارد.

اگر چه PEC دارای بودجه اجرائی است اما بخودی خود يك پروژه نیست. PEC فراتر از يك فکربود و مسئولان برنامه ریزی یونیسیف و همکاران این سازمان را در مد نظر قراردادن پایداری محیط زیست پروژه ها، درست نظیر ملاحظه اثرات آن بر دست یابی به اهداف سال ۲۰۰۰ که در منشور جهانی کودکان در سال ۱۹۹۰ تنظیم گردیده، یادآوری می نماید.

حفاظت اولیه محیط زیست (PEC) استفاده از منابع تجدید شونده را تشویق می نماید. برای مثال در بوتسوانا ریشه يك گیاه که «چنگال شیطان» نامیده می شود به عنوان يك منبع تولید درآمد شناخته شد. زنان به این نتیجه رسیدند که گیاهان دارویی را جمع آوری و در فصول غیرزراعی به فروش برسانند. جوامعی در بوتسوانا موفق گردیدند که از این راه سیستم کشاورزی خود را توسعه داده و به يك سیستم

زراعت پایدار با ترکیب فرآورده های سنتی، فرآورده های کشاورزی جدید، گیاهان دارویی، کشت درختان، پرورش دام در يك سیستم اکولوژیکی پایدار دسترسی یابند، در این برنامه حدود ۷۰ درصد بهره برداران را زنان تشکیل می دهند.

در نپال کشوری که ساخت کاغذ تاریخی طولانی دارد، یونیسیف موفق گردید که با همکاری يك گروه NGO با استفاده از يك راه و روش سنتی و استفاده از بوته لوکتا Lokta کارخانه کاغذسازی ایجاد نماید و محصول این کارخانه برای تهیه کارت تبریک به یونیسیف فروخته شود. در این کارخانه در فصول غیرزراعی زنان و مردان شاغل بکار می باشند. در بین سالهای ۱۹۹۱-۱۹۸۱ درآمد سرانه کارخانه کاغذسازی لوکتا از محل فروش چهاربرابر گردید و در حال حاضر خودکفا می باشد.

از بیان تا واقعیت

خطاب دستور کار ۲۱ کنفرانس ریو جایگاه قطعی مردم در مرکز توسعه پایدار می باشد. بخصوص زنان به عنوان مشارکت کنندگان اصلی توسعه به عنوان پایگاه عملی برای چهارمین کنفرانس زنان در پکن شناخته شده اند. زمان ادغام و یکی نمودن واقعیت ها و آنچه تا به حال گفته شده فرا رسیده است. ما باید این مسئله را روشن نمائیم که محیط زیست محافظت نخواهد شد مگر با فعالیت و مشارکت آگاهانه مردمی که برای این کار مناسب می باشند. زنان بیشترین صدمه را به محیط زیست زده اند ولی آنان بهترین امید برای آینده به حساب می آیند. زنان به عنوان مصرف کننده، خانه دار، کارگر و رأی دهنده، کلید محیط زیست پایدار و توسعه پایدار را دارا می باشند.